

«تحلیلی بر نقش آیت الله ملک حسینی(ره) در قیام ایلات و عشایر جنوب کشور»

مجید علی پور^(۱)، نورآفرین نوریان^(۲)

۱- کارشناس ارشد کارشناس ارشد مکانیزاسیون کشاورزی، کارشناس ارشد امور عشایر استان.

۲- کارشناس ارشد جغرافیا (برنامه ریزی شهری)، دانشگاه پیام نور رضوان شهر صدوق یزد.

شماره تماس نویسنده اول: ۰۹۱۷۳۴۱۹۷۵۸

چکیده

بی تردید در هر تحقیق تاریخی، شناخت، بررسی و نقد منابع از مهم ترین لوازم و ابزار آن است. در واقع بدون شناخت و بررسی انتقادی منابع، هیچ تحقیق و پژوهشی علمی نخواهد بود و به فرجام درست نمی رسد. در این تحقیق از روش سند گزینی و مطالعات کتابخانه‌ای برای بررسی موضوع استفاده شده است. نزدیک به نیم قرن پیش، قیامی خونین و مهم در جنوب و جنوب غربی ایران رخ داد که به اعتراف برخی آگاهان، رژیم حکومت پهلوی دوم را متزلزل کرد. این قیام اصیل و مردمی، در آن زمان «غائله جنوب»، «غائله فارس» یا «غائله فارس و خوزستان» خوانده شد. تضاد و تعارض عشایر با حکومت پهلوی از همان آغاز اقدامات رضا شروع شد. این روند دشمنی با وجود سرکوب ایلات و عشایر در طول سال های ۱۳۱۰ به بعد تا پایان پادشاهی رضا شاه ادامه یافت. قتل یک جون به نام ملک عابدی که مسئول اصلاحات ارضی فیروز آباد بود دستاویز حکومت برای این سرکوب بود و حکومت استبدادی و دستگاه تبلیغاتی آن از ۲۳ آبان تا اواسط آذر ۱۳۴۱ به هجوم گسترده تبلیغاتی علیه عشایر و سران آن مبادرت ورزیدند. بی تردید، روحانیون و دیگر مبارزین انقلابی فارس و کهگیلویه و بویراحمد که با امام خمینی همراه و همدل بودند و در مخالفت رژیم شاه فعالیت می کردند، با تمام وجود از قیام عشایر حمایت و جانبداری نمایند. بر اساس روایات و مشاهدات، روحانیون برجسته ای چون آیت اله سید کرامت الله ملک حسینی، آیت اله محلاتی، آیت الله سید عبدالحسین دستغیب و ... از لحاظ مادی و معنوی قیام عشایر را کمک نموده اند. آیت الله سید کرامت اله ملک حسینی از سال ۴۱ پس از خروج و قیام خمینی کبیر (ره) و به تأسی از استاد خود به صف انقلابیون پیوست. وی یکی از مضروبان واقعه یورش نظامیان حکومت شاه به مدرسه فیضیه قم در سالروز شهادت امام جعفر صادق(ع) در سال ۱۳۴۲ بود و به موجب اسناد بدست آمده از ساواک، به زعم آنها از جمله خطرناکترین شاگردان امام و از روحانیون تحت مراقبت بود. ایشان از مفاخر عالم تشیع و ارکان خطه ی جنوب در حمایت از امام(ره) و انقلاب اسلامی بود، که بی هیچ تردید و اغراقی آن مرحوم را می توان از استوانه ها و پایه های انقلاب دانست که، نام او با تاریخ جمهوری اسلامی رقم خورده و عجین شده است.

واژگان کلیدی: قیام عشایر جنوب، آیت الله سید کرامت الله ملک حسینی، ایل بویراحمد، کوهمره سرخی

مقدمه

جنوب و جنوب غربی ایران بنا بر شرایط خاص توپوگرافی و تغییرات ارتفاعی و اقلیمی و حتی استراتژیک متفاوت، سبب ایجاد شرایط خاص اکولوژیکی گردیده به طوری که رشته کوه های زاگرس، رودخانه های متعدد کوهپایه ها و پوشش جنگلی و مرتعی و دشت های منتهی به آب های آزاد خلیج فارس از جمله این تنوع زیستی می باشد و این شرایط خاستگاه اصلی زندگی کوچنده بر پایه معیشت دامپروری بصورت عشایری را از دیر باز در این زیست و بوم متعدد در جنوب و جنوب غربی ایران پدید آورده است. به طوری که سابقه تمدن کوچندگی به بیش از ۱۲ قرن و به زمان ورود آریایی ها به ایران بر می گردد و طی دوران متمدنی نوع زندگی کوچندگی دستخوش تحولات چشمگیری گردید. اما در دوران هخامنشیان و کورش کبیر شجاع ترین و چابک ترین انسانها در جنگ و گریز و سوارکاری و تیراندازی را کوچندگان تشکیل می دادند. ضمن اینکه در زمان اردشیر سوم بنا به ضعف مدیریت شاهنشاهی و تن پروری مردمان اسکندر مقدونی بر لشکر ایرانیان مستولی گشت و تنها در جنوب و جنوب غربی مردانی از جنس عشایر به فرماندهی آریو برزن در تنگ تکاب کهگیلویه به مقابله سرسختانه برخاستند و پس از آن دوران تا پایان دوران قاجاریه، عشایر فاقد ساختار قدرتمند ایلی بود که در نظام حکومتی فقط اسباب و ابزار خاص در دست فرمانروایان گردیده بودند و اما اولین زمزمه های حرکت ساماندهی شده عشایر پس از سال ۱۲۹۰ در کشور پس از حادثه اعدام بیش از ۱۲۰۰ نفر از آزادیخواهان تبریز شکل گرفت و پس از آن با ورود بیگانگان، روس ها در شمال و انگلیس در جنوب، عشایر بصورت تشکیلات نظامی منسجم با محوریت سران عشایر در مقابل متجاوزان صف آرایی نمودند. اما در سال ۱۲۹۸ به بعد با ورود بیگانگان به کشور و قحطی و خشکسالی شدید، ضربه مهلکی بر پیکر جامعه بسیار محکم و و سازمان یافته عشایر در جنوب و جنوب غربی وارد گردید و با تلفات انسانی ناشی از بیماری و فقر این قدرت رو به ضعف شدید نهاد. پس از آن در سال ۱۳۰۴ ساختارهای ایلی و قبیله ای به شکل منسجم تری تجدید حیات و شکل گرفت و ایلخانان سعی در تقویت ایلات خود نمودند. بطوری که در هنگامه تغییر دوران قاجاریه به پهلوی ساختار قدرتمند ایلات و عشایر در جنوب بزرگترین خطر تهدید کننده رژیم بود و از طرفی عشایری که از زمان قاجاریه در مقابل نظام استبدادی ایستادگی داشتند تهدید جدی برای رضا شاه بحساب می آمدند. از جمله این تهدیدات ایلات و عشایر کهگیلویه و بویراحمد، فارس، چهار محال و بختیاری بودند. لذا رضا شاه در سال ۱۳۰۹، طی اقدامی ناجونمردانه جهت سرکوبی عشایر جنوب خصوصا عشایر کهگیلویه و بویراحمد اقدام به حمله نظامی علیه عشایر کوچنده نمود و عشایر کهگیلویه و بویراحمد با اتحادی بی نظیر در مقابل این حرکت استبدادی اقدام به ایستادگی نمودند و جنگ تنگ تامرادی را در این برهه از تاریخ رقم زدند. در بررسی صورت گرفته از همان زمان با وجود مردان بزرگ در ایلات عشایر با محوریت روحانیت که مورد اعتماد و عمومی مردم خاصه عشایر بودند، جرقه های مخالفت و ستیز عشایر علیه نظام استبدادی آغاز گردید و در این مسیر عشایر متحمل خسارات و مصائب شدید حکومتی گردیدند. بطوری که نزدیک به نیم قرن پیش، قیامی خونین و مهم در جنوب و جنوب غربی ایران رخ داد که به اعتراف برخی آگاهان، رژیم حکومت پهلوی دوم را متزلزل کرد. این قیام اصیل و مردمی، در آن زمان غائله جنوب، غائله فارس یا غائله فارس و خوزستان خوانده شد. تضاد و تعارض عشایر با حکومت پهلوی از همان آغاز اقدامات رضا شاه شروع شد. در این روند رژیم با وجود سرکوب ایلات و عشایر در طول سال های ۱۳۱۰ به بعد تا پادشاهی رضا خان ادامه داشت با خلع رضا شاه از قدرت، مردان و زنان عشایر که در دوران نسبتا طولانی حکومت وی، غالبا از هستی ساقط شده بودند، مجددا زندگی واقعی و آزادانه خویش را از سر گرفتند. کینه عشایر نسبت به حکومت پهلوی اول، آنچنان شدید و غلیظ بود که از همان ابتدای برکناری رضا شاه، بازماندگان حاکمیت مستبدانه و خشن اقدامات ستیز جویانه ای علیه عشایر در پیش گرفتند. این برخوردها که در بسیاری موارد خشن و خونین بود تا سال های ۲۶-۱۳۲۵ ادامه یافت. با قدرت یافتن حکومت مرکزی در عصر محمد رضا شاه، چندین بار برنامه خلع سلاح عشایر اجراء شد. پس از آن نیز دوران محمد رضا شاه بود که همیشه در تقابل با روحانیت بود و در این زمان رهبری و حمایت روحانیت در دفاع از جنبش عشایر سازمان دهی شد و در رهبری ایلات عشایر جنوب و جنوب غربی به ویژه در استان کهگیلویه و بویراحمد، نقش آیت الله سید کرامت الله ملک حسینی و پدر بزرگوار ایشان سید صدرالدین ملک حسینی بر کسی پوشیده نیست که به تفصیل مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد.

طرح مساله

بی تردید در هر تحقیق تاریخی، شناخت، بررسی و نقد منابع از مهم ترین لوازم و ابزار آن است. در واقع بدون شناخت و بررسی انتقادی منابع، هیچ تحقیق و پژوهشی علمی نخواهد بود و به فرجام درست نمی رسد. وجود شخصیت های برجسته و معتمد در طول تاریخ در بین عشایر بعنوان مرکز ثقل همواره پشتوانه محکمی برای مقابله با ظلم و ستیز بوده که در این راستا روحانیت همواره بعنوان تنها پشتوانه مورد اعتماد عشایر بودند. در جنوب و جنوب غربی و خصوصا استان کهگیلویه و بویراحمد سلسله پاک آیت الله ملک حسینی، از جمله پدر بزرگوار ایشان آیت الله سید صدرالدین ملک حسینی که از جمله علمای با نفوذ ابتدای دوران رضا شاه پهلوی بود در ساماندهی و هدایت سران ایلات و عشایر در مقابل ظلم تحسین برانگیز بود. وجود این چهره مذهبی بگونه ای بود که عشایر، سران و حتی خوانین در مقابل تصمیمات ایشان تمکین می نمودند و سخنان ایشان بسیار نافذ بود و حتی در درگیری های منطقه ای و ایلی، با حضور ایشان آرامشی خاص و رفع معارض صورت می گرفت. بطور نمونه در جنگ «کلهای سه تایی»، آیت الله سید صدرالدین ملک حسینی در وسط میدان با اشاره دست، طرفین درگیری خونین را کامل به آرامش دعوت نمود و یا مهمتر از این، نقش فرهنگی این عالم بزرگوار در آن زمان در خنثی نمودن توطئه طلوع که ساخته انگلیس پیر برای غلبه بر فرهنگ غنی اسلامی و وحدت در بین عشایر بود در نوع خود بی نظیر بود. حتی ترویج فرهنگ تعالیم ناب اسلام و توسعه مکتب های آموزشی قرآنی و نماز به دوران این روحانی بر می گردد. با روی کار آمدن دولت مصدق، عشایر مبارز و آزادی خواه از او حمایت و جانبداری کردند. خلع سلاح عشایر با سرعت و دقت فرجام یافت و باز سکونت مرگباری بر عشایر و زندگی آنان مستولی شد. توان حکومت نظامی بسیار بالا رفت و حضور بیگانگان-خاصه آمریکا-تاثیر گذار و تعیین کننده شد. در آن دوران فشار، هیچ یک از عشایر دست به اسلحه نبرد تا علیه ظلم و تعدی نظامیان و ماموران حکومت مرکزی به پا خیزد. شاه در این زمان مجری سیاست های برنامه ریزان دولت «کندی» شد. این سیاست ها به طور مشخص در لوایح شش گانه یا انقلاب سفید متجلی گردید و مخالفت های بسیاری را به رهبری روحانیت برانگیخت. در بحبویه اعتراضات علمای دینی به رهبری امام خمینی واقعه ای در تنگ تکاب فیروز آباد فارس رخ داد که سرآغاز سرکوب عشایر جنوب گردید.

علاوه بر گفته های تهدیدآمیز رجال رژیم؛ حجم تبلیغات روزنامه ها و مجلات نیز فوق العاده سنگین و گیج کننده بود. از همان آغاز واقعه، مطالب مندرج در نشریات، بسیار تحریک آمیز و هدایت شده بود. تقریبا بیش از دو هفته، صفحات اول روزنامه های رسمی کشور-بوژه کیهان و اطلاعات-مختص ماجرای قتل ملک عابدی و پیامدهای آن بود. در همان روز اول، واقعه قتل ملک عابدی را «به تحریک مالکین» نسبت دادند و این خود زمینه مناسبی بود برای سرکوب آنان! قتل یک جون به نام ملک عابدی که مسئول اصلاحات ارضی فیروز آباد بود دستاویز حکومت برای این سرکوب بود. و حکومت استبدادی و دستگاه تبلیغاتی آن از ۲۳ آبان تا اواسط آذر ۱۳۴۱ به هجوم گسترده تبلیغاتی علیه عشایر و سران آن مبادرت ورزیدند. اوج تبلیغات مخرب رژیم علیه مالکان و روحانیون به عنوان مخالفان اصلاحات ارضی صورت می گرفت. در مطالب مجلات روشنفکر، به هماهنگی و هم دست «روحانی نماها» و مالکین اشاره صریح شده است.

آیت الله سید کرامت اله ملک حسینی از سال ۴۱ پس از خروش و قیام خمینی کبیر (ره) و به تأسی از استاد خود به صف انقلابیون پیوست. وی یکی از مضروبان واقعه یورش نظامیان حکومت شاه به مدرسه فیضیه قم در سالروز شهادت امام جعفر صادق (ع) در سال ۱۳۴۲ بود و به موجب اسناد بدست آمده از ساواک، به زعم آنها از جمله خطرناکترین شاگردان امام و از روحانیون تحت مراقبت بود. ایشان از مفاخر عالم تشیع و ارکان خطه ی جنوب در حمایت از امام (ره) و انقلاب اسلامی بود، که بی هیچ تردید و اغراقی آن مرحوم را می توان از استوانه ها و پایه های انقلاب دانست که، نام او با تاریخ جمهوری اسلامی رقم خورده و عجین شده است.

مروری بر تحقیقات پیشین

در این بخش به معرفی و بررسی برخی از پژوهش های انجام شده در خصوص قیام عشایر جنوب و زندگی و سوابق مبارزاتی سید کرامت اله ملک حسینی می پردازیم.

اولین کنگره ملی بزرگداشت آیت ... سید کرامت ... ملک حسینی (ره) ۴ آبان ۱۳۹۶

بی تردید در هر تحقیقی شناخت، بررسی و نقد منابع از مهم ترین لوازم و ابزار آن است. در واقع بدون شناخت و بررسی انتقادی منابع، هیچ تحقیق و پژوهشی علمی نخواهد بود و به فرجام درست نمی رسد.

منابع قبل از انقلاب:

الف) روزنامه ها: یکی از نخستین منابع آشکار وقایع سال های ۴۳-۱۳۴۱ جنوب کشور، روزنامه ها می باشد.
ب) مجلات: مجلات به دو دسته نظامی و معمولی تقسیم گردیده است. مجلات نظامی بیشتر جنبه داخلی و محرمانه داشت و مجلات عمومی حاوی اطلاعات سیاسی و اجتماعی عصر بوده است.
پ) اسناد: اسناد و استفاده درست و صحیح از آن یکی از مهم ترین ارکان تاریخ نگاری علمی است و بدون استفاده از اسناد تاریخ نگاری معاصر تقریباً بی فایده و بی معنا است.
ت) کتب

مهم ترین کتاب هایی که درباره وقایع سال های ۴۳-۱۳۴۱ و غائله جنوب منتشر شده عبارتند از : ۱- تاریخچه عملیات نظامی جنوب ۲- نتایج عملیات جنوب ۳- انقلاب سفید ۴- تاریخ نیروی هوایی شاهنشاهی ۵- تاریخ ۵۰ ساله نیروی زمینی شاهنشاهی ایران ۶- پاسخ به تاریخ ۷- فرهنگ عامیانه عشایر بویراحمدی و کهگیلویه

منابع بعد از انقلاب

الف) مجموعه های اسنادی

۱- طالقانی و تاریخ

۲- اسناد نهضت آزادی ایران (جلد اول)

۳- اسناد نهضت آزادی ایران (جلد سوم)

۴- خاطرات بازرگان

۵- تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد

۶- قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک

۷- یاران امام به روایت استاند ساواک

۸- اسنادی از جنبش دانشجویی در ایران

۹- نظامیان عصر پهلوی

فصلنامه تاریخی معاصر ایران

خاطرات بهمن بیگی ، خاطرات علی اکبر محتشمی، خاطرات ۱۵ خرداد- شیراز

منابع خارجی: ۱- تایمز لندن ۲- تاریخ نوین ایران، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز ۳- ریشه های انقلاب ایران

زندگینامه و سوابق مبارزاتی آیت الله سید کرامت الله ملک حسینی

سید کرامت الله ملک حسینی در سال ۱۳۰۳ در خانواده ای متدین و اهل علم متولد شد. پدر وی آیت الله سید صدرالدین ملک حسینی و والده ایشان سیده فاطمه بودند. اجداد وی از علماء و سادات مورد احترام و اعتبار منطقه بوده اند. اجداد وی مرحوم آیت الله بزرگ سید حبیب الله فرزند سید صدرالدین محمد فرزند میر سید علی شیر فرزند میر شمس الدین محمد فرزند میر محمد یوسف فرزند میر سید محمد باقر فرزند میر سید ملک حسین بودند.

مرحوم میر سید ملک حسین هم عصر شاه طهماسب صفوی و میر سید محمد باقر در زمان شاه عباس کبیر (صفوی) بود و شاه عباس طی نامه ای به والی منطقه، مقرب الحضرة آغاچاری مأموریت جمع آوری خراج و مالیات منطقه را داد و والی را موظف کرد

که خراج را بعد از جمع آوری تحویل مرحوم میر سید محمد باقر دهد تا صرف بقاع متبرکه منطقه و مازاد مالیات برای مدرسه مادر شاه به اصفهان ارسال کند.

نسب وی مشهور به سادات شاه قاسمی بوسيله عبدالله یا عبدالله اعرج به حسین اصغر فرزند امام همام زین العابدین (علیه السلام) می رسد. وی در سن ۴ یا ۵ سالگی به سبب لشکر کشی رضا خان به فرماندهی امیر لشکر شیبانی برای سرکوب عشایر بویراحمد و تسلط بر منطقه، به تصمیم پدرشان با خانواده به روستایی در منطقه چرکس عزیمت کردند تا از صدمات جنگ و قوای رضا خان در امان باشند و حدود دو سال در روستای چرکس اقامت داشتند. طی دو سال اقامت در چرکس در مکاتب ملا باقر و ملا کربلایی جواد، نصاب صبیان و کتب حافظ و گلستان سعدی را فرا گرفت.

امیر لشکر شیبانی پس از شکست از عشایر بویراحمد توسط رضاخان به فرانسه تبعید شد و سال بعد با خیانت برخی اهالی منطقه نیروی دولتی بر منطقه مسلط شد و اهالی را مجبور به سکونت در تل خسرو کرد که والد ماجد معظم له نیز مثل دیگر اهالی در تل خسرو ساکن شد و تل خسرو مقر حکومت نظامی کهگیلویه و بهبهان شد.

تقوا و دینداری خانوادگی اجداد معظم له در منطقه با احترام و اعتقاد مردم همراه بوده و نقش مهمی در تبلیغ و گسترش دین و اعتقادات صحیح در منطقه داشت و باور مردم به این خاندان باعث کینه توزی و حسادت برخی خوانین و قدرتمندان واقع می شد.

دوران تحصیل

آیت الله ملک حسینی(ره) پس از استقرار در تل خسرو که از کانون های اسکان اجباری عشایر بود، در دبستان ۵ کلاسه تازه تأسیس مشغول تحصیل شد و پس از اتمام کلاس پنجم در سال ۱۳۱۵ برای ادامه تحصیل به شیراز رفتند و پس از موفقیت در امتحان نهایی با رتبه شاگرد ممتاز، وارد کلاس اول متوسطه شد. در سال ۱۳۱۹ بر اساس عشق و علاقه، علوم دینی را خدمت پدر بزرگوارشان و برخی را خدمت عموی گرامیشان که در ادبیات عرب توانمند و خبره بودند فرا گرفت. یک سال بعد در سال ۱۳۲۰ وارد مدرسه علیمه منصوریه شد که پدر و عمو و جد بزرگوار وی نیز در این مدرسه علوم دینی را فرا گرفته بودند.

تقوا و دینداری خانوادگی اجداد معظم له در منطقه با احترام و اعتقاد مردم همراه بوده و نقش مهمی در تبلیغ و گسترش دین و اعتقادات صحیح در منطقه داشت و باور مردم به این خاندان باعث کینه توزی و حسادت برخی خوانین و قدرتمندان واقع می شد.. آیت الله سید کرامت الله ملک حسینی این خصوص اظهار داشته اند که باور و خلوص باطنی مردم را در مظاهری از آن ارادتها و عقیده ها را در قسمتی از عمر طولانی پدرم که قریب ۹۰ سال بود به خوبی احساس و مشاهده کردم.

وی از سال ۱۳۲۵ به قم عزیمت کرد و قریب به ۱۶ سال را در محضر استوانه های فقاقت و اساتید مبارز از جمله آیت الله العظمی بروجردی، مرحوم آیت الله آقا سید محمد تقی خوانساری، مرحوم آیت الله حجت کوه کمری و مرحوم آیت الله سید داماد یزدی گذراند و حدود ۹ سال در حوزه تدریس امام خمینی از مسجد محمدیه تا مسجد سلماسی، مشغول به تحصیل شد و تقریرات درس او را به رشته تحریر در آورد که بدین جهت موردعنايت و توجه خاص حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفت.

در سال ۱۳۴۰ به درجه اجتهاد نائل و در اواخر عمر با برکت آیت الله العظمی بروجردی به صلاحدید ایشان به شیراز عزیمت کرد و در مدرسه خان (امام قلی خان) به تدریس طلاب علوم دین پرداخت.

از سال ۴۱ پس از خروش و قیام خمینی کبیر (ره) و به تأسی از استاد خود به صف انقلابیون پیوست. وی که یکی از مضروبان حادثه حمله رژیم طاغوت به مدرسه فیضیه قم بود، به موجب بخش به دست آمده از اسناد ساواک، ارگان امنیتی انتظامی سابق به زعم آن ها از جمله خطرناکترین شاگردان امام و از افراطی ترین روحانیون تحت مراقبت بود.

تعقیب مداوم و لحظه به لحظه در مسافرت ها و بازدیدها به خصوص هنگام ورود به عرصه ایلات و عشایر، تعرض های مکرر به مدارس و بیت وی، متواری بودن ۷ ماهه، احضار و بازداشت و بازجویی های سخت گیرانه، تعطیل کردن مدرسه علمیه و حوزه تدریس توسط رژیم، همگی نمونه ای از سوابق مبارزاتی اوست.

در چند ماهه آخر حیات رژیم، در تجمعی که به دعوت ایشان و با حضور گسترده مردم در مسجد حبیب شیراز صورت گرفت، در حین سخنرانی تند و انقلابی سخنران مراسم، با یورش وحشیانه عمال رژیم از زمین و هوا که منجر به شهادت و مجروح شدن

چندین نفر شد به زندان عادل آباد منتقل شد که پس از بروز واکنش شدید و اعلان جنگ عشایر بویراحمد به رژیم و اعتراضات آنها از زندان آزاد شد. پس از آزادی برای تسریع در روند شکل گیری مبارزات مردم غیور استان به یاسوج آمد و به هدایت و پیگیری تظاهرات پرداخت.

برای تحلیلگران تاریخ انقلاب این نکته حقیقتی انکارناپذیر است که حضور غیرتمندانه او موجب اتصال عشایر جنوب به بدنه انقلاب و یکی از عوامل ناکامی رژیم ستم شاهی بود.

به لحاظ سوابق مبارزاتی و علمی و اعتماد کامل حضرت امام به وی حدود ۲۰ روز قبل از پیروزی انقلاب حضرت امام از پاریس طی نامه ای وی را مأمور حفظ امنیت منطقه و گرفتن بهانه از اشخاص ماجراجو کرد. حدود شش ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی حضرت امام طی حکمی وی را موظف به تشکیل دادگاه و اجرای حکم شرع و ایجاد آرامش و امنیت به هرنحو که صلاح بداند و جلوگیری از اختلاف و تفرقه و ارشاد مردم و خنثی نمودن توطئه های دشمنان اسلام کرد.

آیت الله ملک حسینی از آن هنگام تا زمان حیات پر خیر و برکت خود به عنوان نماینده امام و سپس نماینده مقام معظم رهبری در استان و نماینده مردم کهگیلویه و بویراحمد در مجلس خبرگان رهبری، با حضور و همراهی مردم در صحنه های انقلاب با تأسیس حوزه های علمیه و پیگیری مشکلات و انعکاس به مسئولان و تلاش در حفظ وحدت و امنیت و رفع معارضات و اختلافات محلی و تأکید بر حفظ ارزشها و شعائر اسلامی و پیگیری و تلاش در حریم امکان برای رفع تبعیض و محرومیت و تغییر چهره استان در جهت توسعه، گامهای استواری برداشته است.

اهمیت و ضرورت اجرای پژوهش

- ۱- اهمیت نقش روحانیون و مبارزین انقلابی بخصوص آیت الله سید کرامت الله ملک حسینی(ره) در قیام عشایر جنوبی
- ۲- اهمیت قیام عشایر جنوب در جهت مقابله با رژیم منحوس پهلوی

روش تحقیق

در این تحقیق از روش سند گزینی و مطالعات کتابخانه‌ای برای بررسی موضوع استفاده شده است.

پیشینه تاریخی و نژادی ایلات جنوب

تا آنجایی که تحقیقات کنونی پژوهشگران داخلی و خارجی در باب قدمت و پیشینه تاریخی و نژادی ایلات و عشایر جنوب نشان داده است، دست کم ایلات و عشایر جنوب از سه نژاد ایرانی، عرب و ترک تشکیل یافته است.

۱- ایلات کهگیلویه و بویراحمد

در یک تقسیم بندی مرسوم که حاج میرزا حسن حسینی فسایی در فارسنامه ناصری انجام داده، ایلات کهگیلویه و بویراحمد متشکل از آغار جری، بالوی و جاکي ذکر گردیده است. در هر حال بر اساس نقل فسایی، ایل جاکي به دو شعبه چهار بنیچه و لیراوی تقسیم گردیده که چهار بنیچه عبارت بود از بویراحمد، چرام، دشمن زیاری و نویی. لیرائی نیز به دو بخش لیراوی کوه و لیراوی دشت تقسیم گردیده است.

۲- ایلات و طوایف کوهمره سرخی

۳- ایل قشقایی و طوایف و تیره های آن

۴- ایل ممسنی

بر اساس آخرین بررسی های میدانی و علمی عشایر استان بعد از انقلاب در قالب ۶ ایل بومی و دو طایفه مستقل قشقایی و ممسنی در قالب ۱۶ تیره و ۱۸۱ طایفه می باشد.

نگاهی به سیاست عشایری رضا شاه

احمد شاه قاجار آخرین پادشاه سلسله قاجاریه که فردی سست اراده و بی حال و عاشق تفریح بود، در آخرین مسافرت خارجی خویش تمام اختیارات مملکت را به رضا خان سردار سپه سپرد. بی تردید مقاومت ها و مبارزات ایلات و عشایر پس از پادشاهی رضا شاه و اعمال سیاست های به ظاهر اصلاحی وی از سر ناچاری و ناگزیری بوده است. سیاستی که رضا شاه در قبال ایلات و عشایر اعمال کرد فوق العاده خشن، ستمگیرانه و بیرحمانه بوده است.

در واقع سیاست رضا شاه تمام هستی عشایر را هدف قرار داده بود و به نظر می رسد، مقصود اصلی نابودی نهایی و کامل بخش وسیعی از مردم مملکت ایران بوده است. به نظر می رسد اجرای سیاست های خشن و ظالمانه رضا شاه در قبال عشایر نیاز به ماموران خشن و ستمگر داشت و البته تعدیات بسیار خشن و ظالمانه موجب طغیان های زیاد و جمعی مردان عشایر شد. کوچ، اسلحه و باورهای فرهنگی پایه های زندگی اجتماعی عشایر را در زمینه های اقتصادی، امنیتی و فرهنگی تشکیل می دهد و طبیعی است که هر عاملی ارکان فوق را تهدید کند بنیان زندگی عشایر را به خطر انداخته و موجب واکنش آنان می شد. سیاست عشایری رضا شاه بر سه پایه (تخته قاپو، خلع سلاح و تهاجم فرهنگی بود و این سه دقیقاً معارض با ارکان زندگی عشایری بود. اسکان اجباری (یک جا نشینی و تخته قاپو)، تعویض سیاه چادر، خلع سلاح، تعویض لباس سنتی و جانشین کردن لباس فرنگی، تبعید اجباری، اعدام های بی دلیل دسته جمعی و ... نمونه هایی از این سیاست است.

ایل بویراحمد و رضا شاه

رابطه ایلات کهگیلویه و بویراحمد با رضا شاه تا قبل از پادشاهی رضا شاه و نمایان شدن ماهیت و اهداف واقعی، دوستانه و حاکی از رفاقت و حمایت است. در جریان سرکوب شیخ خزعل که سودای استقلال طلبی را در سر می پروارند رضا خان از حمایت ایلات جنوب از جمله ایلات کهگیلویه و بویراحمد برخوردار شد. به رغم حمایت ایلات کهگیلویه و بویراحمد از رضا-خان و سرکوب شیخ خزعل و طرفدارانش، تعارض و تضاد آنان پس از پادشاهی رضا شاه و اقدامات وی، آغاز گردید. سیاست سرکوب ایلات کهگیلویه و خاصه ایل بویراحمد که در مسایل اجتماعی و سیاسی کشور جلوه بیشتری داده بود، از سال ۱۳۰۶ آغاز گشت و از عمده موارد شروع به سرکوب ایلات کهگیلویه و بویراحمد روحیه ظلم ستیزی وجود پشوانه اسلامی و جسارت عشایر در مقابل تهدید حکومت مرکزی پهلوی بود.

محمد رضا شاه و دستور خلع سلاح عشایر

در پنجم دی ماه ۱۳۴۱، محمد رضا شاه پهلوی در خلال سخنان خویش در محل بنای یادبود مهندس ملک عابدی (مامور اجرای اصلاحات ارضی- پیش از اعلام انقلاب سفید و لوایح شش گانه) در شیراز دستور خلع سلاح عشایر را صادر کرد و بدین ترتیب بار دیگر عشایر خلع سلاح شدند و یکی از مهم ترین موارد حساسیت برانگیز عمومی عشایر که در آن تمام مردمان اعم از زن و مرد واکنش منفی و مقاومت نشان دادند. اعلامیه ها بی در سال ۱۳۴۱ صادر شد و دستور خلع سلاح ۳۰ هزار مرد عشایری را دادند و این خلع سلاح در واقع زمینه سرکوب قطعی و همیشگی ایلات عشایر جنوب می باشد. بسیاری موضع گیری و مقاومت کردند و یکی از عوامل موثر و مهم مقاومت عشایر جنوب و قیام آنان، جلوگیری از جریان خلع سلاح و بازتاب شکنجه های پیشین در هنگام اخذ اسلحه بوده است. بر این اساس در سال ۱۳۴۱ عشایر موضع گیری و مبارزه نمودند که در واقع یکی از عوامل اصلی قیام عشایر جنوب به شمار می آید.

آغاز قیام عشایر کوهمره سرخی و قشقایی

عشایر و ایلات کوهمره_خاصه ایل سرخی_در عصر رضا شاه همچون دیگر ایلات جنوب علیه سیاست ها و اقدامات وی مقاومت و مبارزه نمودند. آنان البته مدتی مشغول اختلافات داخلی خویش بوده ، اما در همان اوان قیام عشایر جنوب در سال ۱۳۰۷ حضوری فعال و موثر پیدا کردند.

حبیب‌الله شهبازی کوچک‌ترین فرزند شهباز خان سرخی، رئیس طوایف سرخی و کلانتر کوهمره سرخی، بود. در پی شورش عشایر فارس علیه حکومت رضاشاه پهلوی دو برادر او، سرمست خان (کلانتر کوهمره سرخی) و عبدالله خان، و تعدادی از خویشان او در سال ۱۳۱۱ ش. تیرباران شدند. حبیب‌الله شهبازی، که در این زمان ۱۶ سال داشت، به مدت یک سال زندانی شد و سپس تا شهریور ۱۳۲۰ و سقوط حکومت رضا شاه تبعید بود و اجازه اقامت در منطقه کوهمره سرخی را نداشت. در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ شهبازی جزو اتحادیه غیررسمی از سران ایلات غیرترک فارس بود که علیه سلطه سران ایل قشقایی (ناصر خان و خسرو خان قشقایی) مبارزه می‌کردند.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برادران قشقایی تبعید شدند، ولی اقتدار سران طوایف غیر ترک فارس تداوم یافت. سرانجام، در سال ۱۳۴۱ حکومت پهلوی تهاجم برای سرکوب ایلات غیرترک فارس را آغاز کرد. شهبازی در واکنش به اقدامات ضدعشایری حکومت پهلوی از پاییز ۱۳۴۱ شورش گسترده‌ای را در منطقه کوهستانی کوهمره سرخی آغاز کرد و قریب به شش ماه به مبارزه مسلحانه علیه ارتش پرداخت. طبق اسناد منتشرشده شهبازی با روحانیون سرشناس شیراز، شیخ بهاءالدین محلاتی و سید عبدالحسین دستغیب، در ارتباط بوده است. او در یکی از اعلامیه‌هایش خود را «فدوی اسلام، روحانیون و خمینی» خوانده است. او در اعلامیه دیگر از منشور کنگره جبهه ملی ایران حمایت کرده و خواستار «آزادی فوری جناب آقای دکتر محمد مصدق و سایر زندانیان سیاسی و آزادی مطبوعات و انحلال سازمان مخوف امنیت و اطلاعات و رهایی آزادیخواهان از قید و بند تبعید داخل و خارج شده است.» او افزوده: «عشایر فارس نه تنها مخالف اصلاحات ارضی و اجتماعی و آزادی دهقانان نیستند بلکه هرگونه اصلاحات اساسی و مترقیانه را که با تصویب نمایندگان واقعی و به دست دولت برگزیده ملت و در حدود قانون اساسی و رعایت اعلامیه حقوق بشر صورت گیرد صمیمانه پشتیبانی می‌کنند.»

حکومت پهلوی با اعزام سپهبد بهرام آریانا (ارتشبد بعدی) به فارس، به عنوان فرمانده «نیروهای جنوب»، به سرکوب شدید شورش دست زد. شهبازی سرانجام در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۲ پس از دریافت تأمین جانی خود را تسلیم نمایندگان اعزامی حکومت کرد. معهذاً، او در دادگاه ویژه زمان جنگ در شیراز محاکمه و به تیرباران محکوم شد و در سحرگاه ۱۳ مهر ۱۳۴۳، به‌همراه پنج تن دیگر از سران عشایر فارس (فتح‌الله حیات داوودی، حسینقلی رستم، جعفرقلی رستم، ناصر طاهری، خداکرم ضرغامپور)، در میدان تیر شیراز تیرباران شد.

بنابراین ایلات و عشایر کوهمره سرخی همچون ایلات جنوب دوران سخت و سنگین تخته قاپو را از سال ۱۳۱۱ تا شهریور ۱۳۲۰ متحول شده و در اوج صعوبت و عذاب به اتمام رسید.

قیام عشایر بویراحمد و ممسنی

اوضاع متشنج در فارس و ایلات کوهمره سرخی و قشقایی، ناگزیر توجه مسئولان حکومت را به ایلات کهگیلویه و بویراحمد و ممسنی، خاصه ایل بویراحمد معطوف داشت و تجارب نشان داده بود که ایل بویراحمد در هرفرصت مناسب دست به اقدام علیه حکومت پهلوی خواهد زد و بنابراین بایستی خوانین و کدخدایان را تحت فشار قرار داد.

عشایر مبارز جنوب که در بیشتر مواقع جلوتر از دیگران به مخالفت علنی و درگیرانه با حکومت پهلوی دست می‌زدند، در این برهه نیز عملاً اقدام نمودند. در اواسط اسفندماه ۱۳۴۱ قیام عمومی و آشکار عشایر جنوب در میان ایلات سرخی، قشقایی، بویراحمد و ممسنی آغاز شد و تابستان ۱۳۴۲ اوج سرکوب بود.

در این بحبوحه در واقع روحانیت و حوزه های علمیه کانون اصلی مخالفان رژیم بودند و با واقعه دوم فروردین ۱۳۴۲ در فیضیه قم، اکثریت روحانیون در مخالفت و دشمنی با سردمداران رژیم به جد فعالیت می‌کردند. فاجعه فیضیه نشان داد که هیچگونه سازش و مصالحه ای میان روحانیت اصیل و حاکمان رژیم امکان پذیر نیست.

امام که اعلامیه های متعددی صادر نموده بود و حتی عید نوروز ۱۳۴۲ را تحریم کردند. پس از فاجعه فیضیه تلگراف مشهور «شاهدوستی یعنی غارتگری» را منتشر کرد که در واقع اوج شجاعت و صراحت خویش را نشان داد و مبارزه با رژیم را بر تمام ملت واجب کرد. وی صراحتاً اعلام کرد «اصول اسلام در معرض خطر است، قرآن و مذهب در مخاطره است. با این احتمال تقیه حرام و اظهار حق واجب است.»

این فتوای تاریخی در تاریخ ۱۳ فروردین ۱۳۴۲ صادر و خیلی زود در سطح وسیع مملکت نفوذ پیدا کرد. اندکی پس از انتشار این تلگراف سید علی اصغر حسینی «امام جمعه فعلی یاسوج، فتح اله تقوی و سید یونس هاشمی بیدکی از طلاب جوان حوزه علمیه خان شیراز به دستور آیت الله شیخ بهاء الدین محلاتی و آیت اله سید کرامت الله ملک حسینی با اعلامیه های متعدد به منطقه باوی آمدند و خطرات تبلیغ آشکار و انتشار اعلامیه علماء در مناطق کوهستانی عشایر را به جان می خریدند.

پیام ها و تاثیرهای قیام عشایر

به نظر می رسد قیام عشایر جنوب، سردمداران رژیم پهلوی را به این نتیجه رساند که سرکوب دایمی و قطعی عشایر لازم و ضروری می باشد. بنابراین شیوه های متعدد این سرکوب اعمال و اجرا شد. حاکمان رژیم از روشنفکر گرفته تا نظامی و بیسواد همه با تفکر از بین عشایر به جنگ عشایر جنوب آمدند. جالب اینکه این افکار و اقدامات از همان اوان داستان که با قتل ناگهانی و بدون برنامه یک مامور اجرای اصلاحات ارضی- پیش از اعلام انقلاب سفید و لوایح شش گانه- روی داد، آغاز گردید. بنابراین با شروع قیام عشایر در اسفند ماه ۱۳۴۱ حکومت پهلوی با تمام توان به فکر سرکوب قطعی و دائمی عشایر افتاد. بمباران های مستمر، متوالی و بیرحمانه، دستگیری و بازداشت های همگانی، اعدام سریع بی گناهان و گناهکاران و ... در راستای سرکوب کامل و قطعی بود. این سرکوب به گونه ای بود که که معدود جنگجویان بازمانده عشایر جنوب یک به یک مسلحانه گردیده بودند، از میان برداشته شدند.

روحانیون و مبارزین انقلابی فارس و کهگیلویه و بویراحمد

بی تردید مشهورترین و استوارترین مخالف رژیم پهلوی در سال های ۱۳۴۱ به بعد، آیت الله حاج سید روح الله موسوی خمینی بود. در واقع محور اصلی و اولیه حرکت های مخالف رژیم پهلوی دوم از مهر ۱۳۴۱ به بعد امام خمینی (ره) بود. بخش عمده ای از قیام عشایر جنوب مرهون و متأثر از اعلامیه ها و عملکرد امام خمینی بودند. به درستی میتوان حدس زد که امام خمینی (ره) نسبت به قیام عشایر جنوب دیدگاهی مثبت و تأیید کننده داشته است. آیت الله سید محمود طالقانی از جمله روحانیون مشهوری بود که در گروه های سیاسی زمان فعالیت داشت. وی که از موسسین نهضت آزادی بشمار می رود از روحانیون بسیار فعال سیاسی بود که همراه و همنوا با امام خمینی علیه رژیم پهلوی تبلیغ و مبارزه نمود.

بی تردید، روحانیون و دیگر مبارزین انقلابی فارس و کهگیلویه و بویراحمد که با امام خمینی همراه و همدل بودند و در مخالفت رژیم شاه فعالیت می کردند، با تمام وجود از قیام عشایر حمایت و جانبداری می نمودند. بر اساس روایات در دست، روحانیون برجسته ای چون آیت اله سید کرامت الله ملک حسینی، آیت اله محلاتی، آیت الله سید عبدالحسین دستغیب و ... از لحاظ مادی و معنوی قیام عشایر را کمک نموده اند.

قیام در بین عشایر دارای یک برنامه ریزی خیلی جالبی بود، حضرت آیت الله محلاتی مورد توجه عشایر بود و آنها از ایشان رهنمود می گرفتند. در یاسوج آیت الله ملک حسینی آنها را تشویق و ترغیب می کرد تا علیه مظالم دولت قیام کنند.

نقش و تاثیر آیت الله سید کرامت الله ملک حسینی که از روحانیون مبارز و معروف فارس و کهگیلویه و بویراحمد که خود از بویراحمدی ها بود در استمرار قیام عشایر، به ویژه کهگیلویه و بویراحمد و ممسنی بسیار بالا بود. در واقع طلاب اعلامیه رسان از مناطق بویراحمد، باوی، ممسنی و کهگیلویه با هماهنگی و مشورت آیت الله ملک حسینی و آیت الله محلاتی به میان عشایر می رفتند. علاوه بر آیت الله ملک حسینی، آیت الله محلاتی و آیت الله دستغیب، روحانیون مبارز دیگری چون آیت الله شیخ حسنعلی نجابت هم به عشایر کمک مالی می کرد

بدین ترتیب روحانیون فارس و کهگیلویه و بویراحمد که آن زمان جزء فارس و خوزستان بود در مخالفت حکومت پهلوی و موافقت قیام عشایر فعالیت و حمایت می نمودند.

نتیجه گیری

به احتمال قریب به یقین، اکثریت کسان و گروه های مخالف حکومت پهلوی دوم، با حرکت عشایر جنوب موافق و به صورت آشکار و نهان آن را ستوده و تأیید کرده اند. در میان مخالفان رژیم، روحانیون به رهبری امام خمینی (ره) در راس هرم قرار داشتند. علاوه بر روحانیون برخی گروه های سیاسی نیز در اعلامیه ها و بیانیه های خود، قیام عشایر جنوب را تأیید کرده اند. بی تردید مشهورترین و استوارترین مخالف رژیم پهلوی در سال های ۱۳۴۱ به بعد آیت الله حاج سید روح الله موسوی خمینی بود. اعلامیه ها، سخنرانی ها و پیام های متعدد ایشان در نزد تمام ملت ایران اعم از عوام و خاص تأثیر گذار و برانگیزنده بود. بخش عمده ای از قیام عشایر جنوب، متأثر از اعلامیه ها و عملکرد امام بود.

بی تردید، روحانیون و دیگر مبارزین انقلابی فارس و کهگیلویه و بویراحمد که با امام خمینی همراه و همدل بودند و در مخالفت رژیم شاه فعالیت می کردند، با تمام وجود از قیام عشایر حمایت و جانبداری می نمودند. روحانیون برجسته ای چون آیت اله سید کرامت الله ملک حسینی، آیت اله محلاتی، آیت الله سید عبدالحسین دستغیب و ... از لحاظ مادی و معنوی قیام عشایر را کمک نموده اند.

قیام در بین عشایر دارای یک برنامه ریزی خیلی جالبی بود، حضرت آیت الله محلاتی مورد توجه عشایر بود و آنها از ایشان رهنمود می گرفتند. در یاسوج آیت الله ملک حسینی آنها را تشویق و ترغیب می کرد تا علیه مظالم دولت قیام کنند. نقش و تأثیر آیت الله سید کرامت الله ملک حسینی که از روحانیون معروف فارس و کهگیلویه و بویراحمد که خود از بویراحمدی ها بود در استمرار قیام عشایر، به ویژه کهگیلویه و بویراحمد و ممسنی بسیار بالا بود. قیام عشایر جنوب هم در آغاز و هم در پایان خویش و پس از نیم قرن، در هاله ای از مظلومیت فرو رفته است.

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و آشوبهای موجود و رهبری آیت الله سید کرامت الله ملک حسینی (ره) در ساماندهی فضای ملتهب حاکم و تفرقه احزاب و گروه های سیاسی بی نظیر و کار ساز بود، به طوری که در بازه زمانی بسیار کوتاه علیرغم ساختار ایلی و قبیله ای به یکی از استان های امن کشور تبدیل گردید که نتیجه اعتماد و اطمینان مردم و از طرفی درایت وارسته و عادلانه ایشان بود و راه پویایی توسعه استان با درایت ایشان هموار گردید. در دهه اول و دوم با حضور چشمگیر مردم در صحنه های انقلاب و جنگ و پس از آن در دوران سازندگی نشان از وجود ارزشمند این عالم ربانی بود، بطوری که نام بزرگوار ایشان همواره در تاریخ این استان و کشور جاوید ماند.

منابع و مآخذ:

- ۱- کشواد سیاهپور، قیام عشایر جنوب، ۱۳۴۱-۱۳۴۳، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، ۱۳۸۸.
- ۲- عبدالله شهبازی، ایل ناشناخته: پژوهشی در کوه نشینان سرخی فارس، تهران: نشرنی، ۱۳۶۶.
- ۳- باقر پیرنیا، گذر عمر: خاطرات سیاسی باقر پیرنیا، تهران: نشر کویر، ۱۳۸۲.
- ۴- «ما برای یاری امام برخاسته ایم»، روزنامه جام جم، پنجشنبه ۱۴ مهر ۱۳۸۴، صفحه ۱۰. [۱]
- ۵- کشواد سیاهپور، «نهضت امام خمینی و قیام عشایر جنوب (۱۳۴۱-۱۳۴۳)»، فصلنامه مطالعات تاریخی، سال سوم شماره دوازدهم، بهار ۱۳۸۵، صص ۲۹-۷۳. [۲]
- ۶- سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۱، صص ۴۰۴-۴۰۵.
- ۷- غلامرضا نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران، تهران: انتشارات رسا، چاپ ششم، ۱۳۷۹، جلد ۱، صص ۲۸۸-۲۹۳.
- ۸- صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی)، جلد اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹، چاپ سوم.
- ۹- عرفان منش، جلیل، خاطرات ۱۵ خرداد-شیراز، دفتر اول، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۱۰- نگاهی به قیام عشایر بویراحمد در سال های ۱۳۴۲-۱۳۴۱، فصلنامه مطالعات تاریخی (شماره چهارم، پاییز ۱۳۸۳).